

عملکرد مذهبی مرجعیت اهل تسنن جنوب شرق ایران از اواخر دوره قاجاریه تا انقلاب اسلامی

فاطمه جان احمدی*

شهرزاد شهریاری**، محمد نصیری***

چکیده

مرجعیت دینی اهل سنت در جنوب شرق ایران، طی قرن اخیر دستخوش دگرگونی‌های مهم، عمیق و تحولات دامنه داری شده است که بررسی تاریخی آنها می‌تواند به بخش مهمی از سوالات مطرح در این حوزه پاسخ دهد. تاثیر تحولات فکری خارج از مرزهای ایران از یکسو، اشتراکات مذهبی و قومی این ناحیه با همسایگان شرقی ایران و موقعیت جغرافیایی این سرزمین، بافت جمعیتی و مهاجرت‌های مداوم، نظامهای حکومتی و سیاسی در ایران از دیگر سو، از عمده‌ترین مولفه‌هایی بوده که بر تحولات ساختاری گفتمان مذهبی در این استان تأثیر مستقیم گذاشته است. این تحولات دامنه دار همه ابعاد فرهنگی و سیاسی را از خود متأثر کرده است و توانسته مرجعیت مذهبی را به عنوان یک مولفه ژئوپلیتیکی مؤثر در جامعه بومی و ملیت و بین‌المللی تبدیل نماید. بازنگری در میراث مذهبی اهل سنت، علمیت، عقل‌گرایی، تغییر رویکرد در مناسبات مذهبی و اجتماعی برخی از این تحولات است که به روشنی رویکرد سنتی نهاد مرجعیت اهل سنت را به رویکرد روشمند، علمی و عمدتاً با نگرشی تقریبی تغییر داده و ضمن استقلال تأثیرناپذیری از جریانات تکفیری و افراطی برون مرزی را مسجل کرده است. پژوهش پیش رو می‌کوشد به شیوه توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی تاریخی علل و اسباب این تحولات، ابعاد و نیز پیامدهای آن را معرفی، و به این دو سؤال پاسخ دهد که "تحول تاریخی مرجعیت اهل

* استاد گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، f.janahmadi@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، shahryari2293@gmail.com

*** استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، nasiri.m@ut.ac.ir

سنت در سده اخیر چگونه بوده است؟" و نقش مرجعیت اهل سنت جنوب شرق ایران در تقرب میان مذاهب چه بوده است؟"

کلیدواژه‌ها: سیرتاریخی، علما، اهل سنت، تشیع، جنوبشرق، تقرب

۱. مقدمه

استان سیستان و بلوچستان در زمره استان‌هایی است که در کنار ضیغه تاریخی و تمدنی، جایگاه مهمی را در منابع تاریخی به لحاظ فرهنگی و مذهبی بخود اختصاص داده است. بیشتر منابع تاریخی متقدم تصویری متفاوت و بسیار فعال در عرصه‌های مختلف از این سرزمین ارائه داده‌اند. صرف نظر از ائمه چهارگانه اهل سنت حضور متفکرانی چون قاضی ابو یوسف، آدم قرشی، ماوردی و ابن فراه و دیگران نشان از تحرکات فکری مرجعیت دینی اهل سنت در این منطقه دارد. به دلیل برخورداری از زمینه‌های فرهنگی و ژئو کالچرال بویژه بهره‌مندی از پیشینه تاریخی مرجعیت دینی در امور فقهی و کلامی در میان جوامع اهل سنت جهان، جامعه سنی مذهب ایران بویژه حنفیان و شافعیان همواره پیشرو بوده‌اند. خاستگاه شش مرجع دینی ایرانی اهل سنت تاثیر گذار هم چون ائمه عالی مقام و بنام، بخاری، امام مسلم، ابی داوود، ابن ماجه، ترمذی و نسائی به مثابه صاحبان مجموعه بزرگی از کتب حدیثی اهل سنت و حتی فقهای طراز اول جهان تشیع حاکی اهمیت ایرانیان در منظومه فکری مرجعیت دینی - مذهبی اهل سنت دارد.

علی‌رغم تحرکات تاریخی مرجعیت اهل سنت در امور حدیثی و فقهی رفته رفته به دلایل مختلف تحرکات علمی آنها در ادوار میانه تاریخی ایران کم شده است که البته تسلط سیاسی مذهب شیعه در ایران، در کنار دیگر عوامل در طول تاریخ بر این جریان فعال لیکن کم تحرک تاثیر نهاده است و گاهی نقشی انفعالی بخود گرفته است و در ادواری نیز به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ورود یافته است. براساس شواهد موجود، این نهاد، متکی بر شرایط زمانه و تحت تاثیر فرهنگ محلی گاهی نیز به ضرورت در امور دخالت کرده است به گونه‌ای که نه تنها مقابل حکومت بلکه مقابل قدرت بزرگی چون انگلیس و شوروی نیز ایستاده‌اند. این حضور سیاسی مرجعیت دینی اهل سنت پس انقلاب اسلامی نمود بیشتری یافته است. هرچند این تحرک جهانی است و می‌توان تحولات مرجعیت دینی الازهر و یا کانون‌های مذهبی جهان چون مفتی‌های شمال آفریقا ترکیه را هم بدرستی رصد کرد. در میان کانون‌های مذهبی اهل سنت در ایران، کانون فکری اهل سنت جنوب شرق

رامی توان به واقع طلایه دار فکری و فرهنگی اهل سنت محسوب کرد. این کانون فکری که، با تلاش‌ها و اقدامات عمیق، هدفدار، و دامنه دار علمای اهل سنت، باعث ایجاد تحولات درونی و بیرونی پایدار و گسترده آن شده‌اند، توانسته است ضمن در اختیار گرفتن کنترل جامعه بلوچستان، از کوچکترین مباحث فرهنگی و مناسبات اجتماعی تا بزرگ‌ترین مسائل سیاسی آن را مدیریت کند. یکی از دغدغه‌های مهم این نهاد دینی در طول تاریخ حیات فرهنگی خویش موضوع ثبات مذهبی و دغدغه‌های مترتب بر آن بوده است. وجود مذاهب مختلف در جنوب شرق ایران و لزوم همگرایی میان آنان و نیز مخاطرات ثبات سرزمینی به مساله تقریب میان مذاهب منجر شده است. گرچه این دغدغه یکی از مهم‌ترین الزامات امروزی جهان اسلام است. چرا که از دیر باز بی‌ثباتی در حوزه مذاهب اسلامی بشدت جهان اسلام را رنجور کرده است و وجود ملل و اقوام متعدد و فرق و مذاهب گوناگون در گستره جغرافیای جهان اسلام و نیاز روز افزون در ایجاد همگرایی میان ایشان بر لزوم هم‌افزایی در حوزه تقریب میان مذاهب افزوده است. ایران هم به عنوان یکی از کانون‌های اصلی جغرافیای فرهنگی جهان اسلام با دارا بودن اقوام و طوائف و فرق و مذاهب مختلف بویژه در مناطق مرزی در زمره سرزمین‌هایی است که تحقق تقریب میان مذاهب اسلامی از ضرورت‌های آن بشمار می‌آید. تحولات سیاسی و فرهنگی سده اخیر جهان اسلام بویژه در میان همسایگان ما در مرزهای ایران و به خصوص شرق و جنوب شرق ایران زمینه‌های خیزش تحولات فکری و فرهنگی بسیاری را در ایران ایجاد کرده است. با گسترش جریان‌های سلفی و تکفیری، فرقه‌ای، وهابی و تصوف و حتی جریان‌های عرفانی که می‌تواند از عمده‌ترین مباحث قابل تامل در حوزه واگرایی فکری و مذهبی بشمار آید، بر ضرورت موضوع همگرایی ملی و مذهبی و تقریب میان مذاهب افزوده است. براین اساس، انجام تحقیقات و مطالعات دقیق جهت دار به منظور شناخت، تبیین و آسیب شناسی. جوامع قومی و قبیله‌ای و اقوام ساکن در مناطق مرزی ایران می‌تواند در تهیه الگوی همزیستی مسالمت آمیز میان قبائل و طوائف با مذاهب مختلف موثر باشد. در این میان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در مطالعات تاریخی با موضوعیت تعاملات مذهبی و شکل‌گیری توافقات فرهنگی ناشی از آن، نقش و جایگاه علمای دینی به عنوان مرجع اثرگذار بر مردم است که از راه‌های گوناگون مانند ایجاد گفتمان دینی در اندیشه و رفتار و تعاملات دینی و مناسبات مذهبی به ایفای نقش در جامعه پرداخته‌اند. مرجعیت دینی اهل سنت در سده اخیر نشان است که گفتمان تقریبی مختص جامعه شیعه نبوده و از دغدغه‌های مهم

راهبران مذهبی اهل تسنن ایران نیز محسوب می‌شود. بر این اساس در این جستار، به منظور دستیابی به این دو سوال: "تحول تاریخی مرجعیت اهل سنت ایران ناظر به سیاست های تقریبی در سده اخیر چگونه بوده است؟" و نقش مرجعیت اهل سنت جنوب شرق ایران در تقریب میان مذاهب چه بوده است؟" ابتدا سیر تاریخی مرجعیت دینی اهل سنت جنوب شرق در سده اخیر و تحولات و تطورات آن مورد نظر بررسی قرار خواهد گرفت و سپس تاثیر این نهاد بر تقریب میان مذاهب اسلامی در این بخش از سرزمین ایران عزیز در بازه زمانی سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۳۹۶ یعنی حدود سالهای جنگ جهانی اول تا معاصر بررسی خواهد شد.

به دلیل رویکرد تاریخی این مقاله تلاش خواهد شد با روش توصیفی-تحلیلی، متکی به استنادات منابع کتابخانه ای اطلاعات اولیه و پیشینی گرد آید و با روش مشاهده و تاریخ شفاهی (تجربه زیسته محقق، اعم از دیده ها، شنیده ها و ارتباط با اقوام و طوایف مختلف استان) متکی بر مصاحبه میدانی، به پرسش های مطروحه فوق اشاره پرداخته شود.

لازم به توضیح است در این پژوهش منظور از مرجعیت دینی علما و روحانیت اهل سنتی هستند که در گذشته تاریخی این منطقه به عناوینی همچون ملا، صاحب، واجه، درویش و.. خوانده می‌شدند اما به تدریج تغییر در تطور زمانی به تناسب کارکرد و تغییرات ساختاری به مولوی تغییر نام یافته اند. شایان توجه است رتبه بندی مولوی های اهل سنت تابعی از دارالعلوم دیوبندیه هند است که مطابق آن نخست مولوی عالم، تقریباً معادل لیسانس و دوم مولوی فاضل، معادل فوق لیسانس و مولوی سوم مولوی کامل، معادل دکترا است. (مولوی رحیمی؛ ۱۳۹۰ به نقل از <http://mirahimi.blogfa.com>)

افزون بر این جنوب شرق ایران هم گرچه امروزه عمدتاً بلوچستان به مرکزیت زاهدان را دربر می‌گیرد؛ اما در ابتدای بازه زمانی ذکر شده، قسمت هایی از بلوچستان پاکستان و بخشهایی از افغانستان رانیز شامل می‌شده است. از این رو در حین بازخوانی تاریخی، به جغرافیای بلوچستان پاکستان نیز اشاره خواهد شد.

علاوه بر این جستجوهای مجازی در وب سایت های مختلف نشان داد که تحقیق پیش رو از مطالعات پیشینه ای مستقیم و موثری برخوردار نیست. اما ناظر به تحقیقات زمینه ای و البته اهمیت مسأله، پژوهش های متعددی وجود دارد که می‌تواند در تبیین های تاریخی و یا در توصیف وضعیت کلی مسأله تحقیق موثر باشد. لیکن هیچ یک پیشینه دقیق و یا مستقیمی برای این پژوهش محسوب نمی‌شوند این در حالی است که برخی از این

پژوهش‌ها نیز علی‌رغم عنوان جالب توجه از محتوای حائز اهمیتی برخوردار نبودند و پاره‌ای نیز بسیار کم ارتباط با موضع این تحقیق بودند، اما در دستیابی به یک تبیین تاریخی می‌توانستند در تعمیق نگاه نو کارساز باشند. مطالعاتی همچون: نورالله کرد، چندشاخه ارغوان در کویر (۱۳۸۶)؛ انتشارات پویان فرنگار، تهران، و یا عبدالغفور دورانی، ره‌آورد شرق؛ (۱۳۹۹) انتشارات پویان فرنگار، سعید درویش، جلوه‌ای از شگفتی‌های علمای بلوچستان؛ (۱۳۹۷)، انتشارات آوای اسلام تربت جام؛ مولوی الیاس نارویی، جلوه‌ای از زندگی، اندیشه‌ها و خدمات مولانا احمد، بی‌نا، بی‌جا، نصیر دشتی، کتاب بلوچ و بلوچستان، (۱۳۹۴) ترجمه نظر محمد هاشم زهی، انتشارات فاروق اعظم زاهدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان با عنوان تحولات فرهنگی - مذهبی سراوان در دو قرن اخیر (۱۳۹۲)، مهدی خلیلی، به راهنمایی فاطمه جان احمدی؛ غلامحسین جهانبخش بررسی مذاهب، مکاتب و فرق مذهبی در استان سیستان و بلوچستان مکتب دیوبند (۱۳۸۰)، نوشته پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی؛ مقاله "نقش و جایگاه نخبگان و سران طوایف بلوچ و رواج‌گرایی و هم‌پیوندی ملی"، نوشته محسن شانه‌چی، معصومه دهمرده و منصوره السادات فاطمی (۱۳۹۴)،

۲. مرجعیت اهل سنت: ساختار ساده و عملکرد مذهبی

جامعه سیستان و بلوچستان از گذشته‌های دور جامعه‌ای دینی بوده است. فرهنگ مذهبی در این گوشه از سرزمین ایران در حماسه‌ها و ادبیات کهن آن نهفته است. حضور صحابی و تابعین از دوره فجر اسلام در ایران و یا نام و نشان فقها و حدیث دانان و محدثین اهل سنت و جماعت در کنار آثار مکتوب و بناهای برجای مانده، مساجد تاریخی در سرحداث مکران نشان می‌دهد، جامعه در هم تنیده از اقوام و طوایف این منطقه تاریخی دینی و مذهبی ریشه‌ای بس قوی و قابل اعتنا دارد. صرف نظر از این ریشه‌های تاریخی مرجعیت دینی اهل سنت نیز در این سامان به دلایل متعدد علاوه بر تاثیر گذاری در امور مختلف همواره نقش مهمی در ثبات مذهبی داشته است، لیکن ناظر به حوزه مطالعه این پژوهش آنچه مقرر است بررسی شود نقش این علمای دینی و مراجع فکری در پیوند های مذهبی و ایجاد و یا ترویج فرهنگ تقریب میان مذاهب اسلامی است که گاهی می‌توان این مقوله را در میان همه فرق شیعی و اهل سنت و حتی تنها تقرب مواضع میان فرق اهل سنت جستجو کرد.

از آنجا که مهمترین نقطه عزیمت در این پژوهش تحولات نظام مرجعیت دینی در سده اخیر و تاثیر گذاری آنها بر فرهنگ تقریب میان مذاهب است، آنچه در این بخش بررسی می شود عمده ترین تحولات صورت گرفته در تغییر رویه حوزه مرجعیت دینی اهل سنت و بازنگری درونی آن خواهد بود زیرا در این تغییر رویه هم ساختار آن تحول یافته و هم تغییرات کارکردی متعددی را از سر گذرانده است. به طوریکه در دراز مدت توانست، رفته رفته به صورت نهادی تشکیلاتی، منسجم و مستقل، علمی و بنیادگرا تبدیل شود. رویه آن هم متناسب با زمانه و تحولات بین المللی تغییرات ماهوی بسیاری یافت. آنچه از تاریخ این تحولات بدست می آید بیانگر این است که اقدم علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان، پیشا شکل نهادی مستقل، تحت تاثیر مکاتب فکری و اعتقادی شبه قاره هند به ویژه مکتب دیوبندی، بر این بودند تا با ارائه خدمات و تلاش های ارزنده، اعتقادات مذهبی بنیادگرایانه خود را در سطح جامعه نهادینه کنند و بنیان یک جامعه مذهبی معتقد را نه فقط در جنوب شرق، بلکه در بین کل جامعه اهل سنت ایران پی ریزی نمایند. آنان موفق گردیدند، بعنوان کنش گران دینی و اعتقادی قدرتمند و مؤثر پا به عرصه حیات اجتماعی و فرهنگی گذارند و منشأ تحولات عمیق و پویا در در حیات اجتماعی جنوب شرق ایران شوند. بدین اساس در طی تاریخ متکی بر شواهد ایشان به عنوان یکی از کانون های قدرت مورد توجه بازیگران سیاسی ملی و فراملی بوده اند و نقش ژئوپلیتیکی مؤثری را در عرصه سیاسی، فرهنگی و مناسبات اجتماعی بر عهده داشته اند. بدین روی می توان نهاد مرجعیت اهل تسنن در جغرافیای جنوب شرق ایران را یکی از نهادهای مؤثر با نقش ها و کارکردهای متعدد ترسیم کرد که در این جستار، نقش آنها در تقریب میان مذاهب بررسی می شود.

جایگاه مرجعیت دینی اهل تسنن در جامعه جنوب شرق ایران: متاثر از ساختار اجتماعی -سیاسی و نظام شبه فئودالی جامعه بلوچستان و حاکمیت سرداران و خوانین بلوچ، و البته ناظر به بافت سنتی -مذهبی این سرزمین، دایره نفوذ و قدرت علمای اهل سنت در این دوره، محدود به اجرای سنت و فرایض دینی بوده است. لیکن رفته رفته ناظر به تحولات اجتماعی سده اخیر، حضور پررنگ و اثرگذار برخی از این علما در مسائل اجتماعی و سیاسی محرز بوده است. گرچه اقشار حاکم محلی و رؤسای طوایف در این زمان که از سطح مقبولی از تاثیر گذاری برخوردار بودند، مناسبات اجتماعی و معادلات سیاسی راتعیین می کردند. هر طایفه بلوچ رئیسی داشت که «سردار»، و در برخی طایفه ها «میر» نامیده می شد. این جماعت "متشکل از کماشها (ریش سفیدان) ذات های برتر، سرداران طوایف، خوانین و حکام محلی

و همچنین وابستگان آنها بوده‌اند. این افراد با برخورداری از تمامی امکانات و منابع موجود در جامعه و با بهره‌مندی از کاریزمای ناشی از اعتبار قومی و قبیله‌ای از احترام و اعتبار اجتماعی و سیاسی بسیاری برخوردار بودند؛ و با استناد به اصل و نسب برتر، از نوعی تقدس اجتماعی سود می‌جستند. (ن.ک.شه بخش، ۲۸: ۱۳۷۳)

این وجاهت و مشروعیت تاجایی پیش رفته که به اذعان بلوکباشی، نوعی اعتقاد را نسبت به آنان به وجود آورده بود. وی می‌گوید: "احترام مردم بلوچستان به سردار بدین جهت است که بلوچ‌ها به سرداران و خان‌های خود پندوک می‌دهند. اگر در دادن پندوک ناراضی هم باشند، ناچارند که سنت‌ها را رعایت کنند. پندوک به مثابه سهم اربابی است که در نظام اربابی و رعیتی به مالک پرداخت می‌شد. بلوچ پندوک را در واقع برای ایمن بودن از مزاحمت‌ها و آرامش خود و خانواده‌اش می‌پردازد و باج و خراج حاصله به منظور تامین این نوع رفاه اجتماعی است" (بلوکباشی: ۱۰۳).

در کنار طبقه میرها، طبقه‌ای از علمای دینی هم حضور داشتند که به دلیل وجاهت مذهبی از احترام خاصی نزد طبقه حاکم و مردم برخوردار بودند. گرچه این وجاهت کاریزمای دینی متأثر از ساختار مذهبی بلوچستان بود اما عوامل دیگری نیز در ازدیاد احترام و وجاهت و مقبولیت آنها موثر بود. این جماعت مهم‌ترین و نخستین قشری بودند که با ورود دانش‌آموختگان مدارس دیوبند دچار تحول اساسی شدند. گرچه ورود دانش‌آموختگان دیوبندیه به تحول نظام اندیشگی این قشر راه یافت لیکن کماکان همان منشاء اجتماعی موجب احترام این جماعت بود.

گرچه نهاد دینی در میان اهل سنت از پیچیدگی برخوردار نیست و از سویی ساختار آن ساده و از طبقات مشخص برخوردار است لیکن پس از تماس دانش‌آموختگان دیوبندیه رفته رفته در ساختار ساده آن نیز تغییراتی حاصل شد که می‌توانست بر تقریب میان مذاهب تاثیر گذار باشد. مطابق اسناد محلی و مصاحبه‌های شفاهی از دیر باز ملا و قاضی دو اصطلاحی بودند که برای اعضای قشر مذهبی و راهبران دینی اهل سنت این منطقه کاربرد داشت. دانسته است هر حوزه جغرافیایی دارای یک قاضی بود که جایگاه خاصی در میان روحانیان بلوچ داشت و در راس هرم قدرت مذهبی قرار می‌گرفت. (برقعی، ۱۳۵۶: ۸۱) قاضیان از میان ملایان وابسته به ذات یا گروه کدخدایان و براساس دانش فقهی وسیع و داشتن صداقت در میان مردم، از سوی حاکم وقت به این مقام گمارده می‌شدند. قاضی حق داوری و صدور حکم در حوزه مسائل شرعی را برعهده داشت و در اصطلاح محلی

جایگاه رسمی شریعت کردن با او بود. ملایان به امور مذهبی روستاییان مانند جاری ساختن صیغه عقد ازدواج، اجرای آداب کفن و دفن و مراسم نماز گزاری و حضور در جلسات ترحیم موسوم به پاتیا می پرداختند. (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۵۱۵) این حضور عمومی و تاثیرگذار در تغییر سبک نگره عوام به مقوله مذهب بسیار مهم و تعیین کننده بود.

بی تردید ساختار ساده بدور از غموض و پیچیدگی نهادی، سهل الوصول بودن روحانیون و وابستگی دینی در نوع رفتار عامه برای نهادینگی دینی و مذهبی موثر بود. صرف نظر از اوضاع کلی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه بلوچستان در دوره مورد نظر، تقریب مذاهب را باید در حوزه ارتباطات فرهنگی به مثابه آداب و سنن و هویت ملی (دفاع از سرزمین، دشمن مشترک و...) و مناسبات اقتصادی در منطقه جنوب شرق ایران بررسی و تحلیل کرد. زیرا دغدغه ساکنان این بخش از ایران بیش از مذهب تا دوره انقلاب اسلامی، قومیت و حفظ هویت محلی خویش بوده است. اقدامات انجام گرفته از سوی علمای دیوبندیه نیز با همه گستردگی خود، نتوانست تا این زمان هویتی مذهبی مشخص و متمایز و مستقل که نمود بارزی در جامعه محلی و بومی منطقه داشته باشد، از خود نشان بروز دهند. گرچه در این دوره مهم ترین اقدامات از سوی این گروه ساخت مسجد و مدرسه دینی بوده، اما این اقدامات آن ها بنا به شرایط سیاسی و بافتار اجتماعی جامعه تاروی کارآمدن حکومت مذهبی در کشور، از گستردگی و انسجام لازم برخوردار نبود.

۳. راهبرد های فرهنگی تقریب مذاهبی علمای اهل سنت

یکی از مهمترین ارکان تاریخی در حفظ کیان مذهبی و نظام معرفت دینی، مشارکت علمای مذهبی اهل سنت و روحانیت اصیل و آگاهی است که در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام به مثابه راهبران، هادیان و زعمای امینی برای امت اسلامی بوده و هستند. این جماعت همواره در هدایت علمی و معنوی جوامع مسلمین نقش بسزایی داشته و دارند. در صورت مقایسه میان سهم و نقش این طبقه با حکما، عرفا و راهبران سیاسی می توان دریافت نقش زعمای دینی به دلیل جایگاه مذهبی و کاریزماتیک بیشتر است. در واقع حضور فعال سازمان عظیم دینی و ملی روحانیت شیعه و اهل سنت در کنار هم همواره بر سرنوشت اسلام تاثیر نهاده است. جستجو در نقش آنان در قوام بخشی به قوانین اسلامی و نهادینه کردن آن در رگ و ریشه امت اسلامی کاری دشوار نیست، لیکن ناظر به سهم سنجی برای سازمان روحانیت احناف در ایران که هرگز مستثنی از شاکله این سازمان نیست و

همواره این جامعه سخت کوش حافظ و نگهبان باورهای دینی خود و ملت همسوی خود بودند، تا جایی که امروزه در جهان اسلام بیشترین جمعیت امت اسلامی را تشکیل می دهند و عده ای از همین امت اسلامی که پیروانان امام ابوحنیفه هستند در ایران (بلوچستان، ترکمن صحرا، جنوب خراسان) مستقرند و روحانیت آن سازمان حافظ شریعت و طریقت آن امت اسلامی است.

۴. پیوند تقریب مذاهب اسلامی با راهبردی سرزمین گرایی

گرچه موضوع التزام به چارچوب های قواعد ملی به تنهایی در ذیل مسائل مذهبی قرار نمی گیرد اما بطور کلی تقریب مذاهب و وحدت میان مسلمانان می تواند به عنوان راهبردی سیاسی - مذهبی برای مبارزه با دشمنان خارجی تلقی شود. زیرا دانسته است که مذهب و احساس تعلق به یک سرزمین، از عناصر اصلی هویت ملی و یا سرزمینی قلمداد می شوند. دلبستگی به دین و مذهب و احساس تعلق به سرزمین توأمان سد نفوذ ناپذیری برای جلوگیری از حضور عناصر غیر و یا استعمار گران بوده است. سرحدات شرقی ایران مثل باقی نواحی مرزی همواره تابع تحولات جهانی و به تبع آن همسایگان بوده است. انگارهای هویتی چون ملت، وطن، سرزمین و تعلقات سنتی به دین و مذهب و حتی اندیشه های نژادی، قومی و بومی در کنار ساخت هویت جمعی و ملی می تواند فضای متفاوتی را در جهت دهی به رفتارهای فردی و جمعی ایجاد نماید.

از آنچه از سرگذشت سرزمین ایران مستفاد می شود، بدرستی می توان دریافت، تهدید خارجی و مشکلات فرهنگی همواره فراروی مرز نشینان است و آنچه گفتمان ملی را در این سرحدات دچار بحران نموده است (ببیند: متن دیدار مسئول و اعضای شورای مرکزی جماعت تبلیغ سیستان و بلوچستان با نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت استان مورخ ۱۶/۱۲/۹۷/ <https://www.iribnews.ir/fa/news/97/12/16>) آهنگ دشمن خارجی و گاه درنوردین مرزهای سرحدی و یا هجوم افکار و تهاجم فرهنگی به داخله آن است. براین اساس نخستین هدف برای مقابله با دشمن خارجی حس برانگیختن حس وطن خواهی و تقویت وحدت ملی در چارچوب فضای سرزمینی است. برای نمونه تعرض به مرزهای هویتی ایران در زمان قاجاریه و در دوران جنگ جهانی اول و دوم از سوی بیگانگان، توانست احساس هویت ملی را در جای جای ایران و بخصوص مرزهای جنوبی آن افزایش دهد. تا جایی که می توان در میان اقوام و طوایف اهل سنت بلوچ نیز همانند دیگر اقوام ایرانی که

در دفاع و سیادت از مرزهای کشورشان دریغ نکردند، حس وطن خواهی و جان فشانی برای وطن را بدرستی ردیابی کرد. گرچه مهمترین ابزار و وسیله برای وحدت بخشی و دوری از افتراقات مذهبی رویکرد تقریب مذاهب است که می تواند ضمن فروکش کردن اختلافات به نمودهای وحدت بخش بیشتر دامن زند. حضور فعال و غیرقابل انکار سرداران و خوانین بلوچ در دفاع از سرزمینشان که متکی بر میهن دوستی دیرینه و ریشه داری بود، متأثر از علمای اهل سنت و فتوای جهاد آنان بود که ضمن ارشادات فرهنگی با استعانت از فرهنگ تقریب مذاهب میان فرق اهل سنت و شیعیان و فراخوان خوانین و روسای اقوام و طوایف منطقه تلاش کردند تا مانع از حضور مستمر بیگانگان شوند.

بر همین اساس می توان اثربخش ترین بارقه های راهبرد وحدت و تقریب را که متکی بر همزیستی مسالمت آمیز و وحدت سیاسی اجتماعی در برابر دشمن مشترک بود را در فرهنگ شکل گرفته در سرحدات جنوب شرق ایران جستجو کرد و انعکاس این راهبرد تقریب مذاهبی را در دو جنبه ملاحظه نمود: نخست درون آیینی که مسلمانان را از نزاع و جنگ با یکدیگر پرهیز می داد و آنان را به همزیستی مسالمت آمیز دعوت می کرد و با یادآوری تاثیرات نزاع های تاریخی و جنگ و کشتارها و هتک حرمت ها و... بدنبال ایجاد وحدت و تشریک مساعی بود. دیگری نیز از منظر برون دینی و آیینی بود که می توانست همه مسلمانان را به مثابه یک خانواده بزرگ در برابر آفات درونی و بیرونی حفظ نماید. آفاتی که همواره و در طول تاریخ حیات اجتماعی مسلمانان را نشانه گرفته و مورد هجوم فرهنگی قرار داده است. از این رو علمای اهل سنت و اندیشمندان بلوچ نیز در برابر دشمن مشترکی چون انگلیس و قوای متفقین همسو با علمای عتبات عالیات شیعه فتوای جهاد صادر نموده و در تشویق مردم و فراخوانی رزم آوران و سرداران بلوچ به جهاد علیه دشمنان خارجی بویژه استعمار نقش مهمی ایفا نموده اند. تاریخ پر تکاپوی متفکران و عالمان این سرزمین همچون مولوی عبدالله که شهرت او ایستادگی در برابر سیاست های رضا شاه و موضع گیری در برابر ظلم و استبداد زبانزد خاص و عام است.

آنچه مسلم است تاریخ این سرزمین حاکی از مقاومت های معنا دار استعمارستیز علمای مسلمان بطور اعم و عالمان اهل سنت بطور اخص بوده است. حضور انگلیس پس از تسلط بر هندوستان، در مرزهای شرقی و جنوب ایران و دست اندازی و پیشروی به سوی بلوچستان، با مقاومت سرداران بلوچ روبرو شد؛ از سوی دیگر فتوای علمای عثمانی و علمای عتبات و دیوبند در جریان جنگ جهانی اول مبنی بر وجوب جهاد برضد بریتانیا،

موجبات تحریک قبایل بلوچستان را فراهم آورد و زمینه های نفرت بلوچ های ایران را از بریتانیا ایجاد نمود، همین امر موجب شد تا انگلیسی ها نتوانند مراتب نفوذ و سلطه دائمی خود در منطقه ایفا نمایند و به همین دلیل پس از پایان جنگ جهانی اول به تدریج این منطقه از خاک ایران را تخلیه کنند." (شه بخش، ۱۳۹۳)

امروزه فهرست شایان توجهی از مبارزان علیه انگلیس در شرق ایران موجود است. در میان این فهرست، رهبرانی از اهل سنت بلوچستان که نقش اصلی در جنگ جهانی اول علیه بریتانیا را داشتند مانند مولوی عبدالله سربازی و یا وملا ملکشاه کنگوهی می درخشند. مطابق اسناد موجود در سالهایی که جهان درگیر جنگ جهانی اول و شرق ایران هم درگیر حضور قشون بریتانیا بود، مولوی عبدالله سربازی در ناحیه مکران وملا ملکشاه کنگوهی در سرحد، از مشاوران نزدیک سرداران بلوچ سرحدی وطوایف دامنی مانند جنیدخان (جیهندخان)، خلیل خان گمشادزهی بودند." (کرد، ۱۳۸۶: ۲۲۸) رشادت ها و حماسه های استعمار ستیز و مبارزه با دشمن خارجی با نام این بزرگان پیوند خورده است.

تلاش های علمی شیعه و اهل سنت در یک صف واحد و متحد در برابر دشمن خارجی به وانهادن اختلافات مذهبی برای وحدت بخشی و اتحاد مسلمانان منجر شد، بی تردید فتاوی دشمن ستیز در صف آراییی مذاهب اسلامی با رنگ و بوی وطن خواهی بر اتحاد آنان افزوده و در موفقیتشان بر علیه مهاجمان موثر بود. گرچه این صف آراییی در گردآمدن سربازان تنها خلاصه نبود بلکه بزرگان و صاحب نفوذان منطقه را نیز از همراهی با دشمن باز می داشت یکی از نمونه های برجسته در تاریخ این سرزمین اقدام سردار جیهندخان یارمحمدزهی است؛ او که پیشتر به پیروی از فتاوی علمای هند از جمله سید احمد مدنی، در مبارزه با انگلیس که ملا ملکشاه آن را منتشر کرده بود، فرزندش ولی محمد را که قبلا به استخدام ارتش بریتانیا درآمده و در پاسگاه مرزی «سوختگان» مشغول خدمت بود، به سرحد فرا خواند. تا در کنار دیگران از نفوذ کمپانی هند شرقی به سرحد جلوگیری نماید." (کرد، ۱۳۸۶: ۲۶۷). اقدامات گسترده مولوی های بلوچ و عملکرد آنان در انجام تبلیغات بر ضد انگلیسی ها و تحریم همکاری با آنان، زمینه ساز ایجاد فضای ناامن برای نیروهای وابسته به بریتانیا شد و این امر موجب حمله سرداران بلوچ به نیروهای انگلیسی شد.

در میان علمی شناخته این دوره، ملا ملکشاه که از علمای مهم و تعیین کننده در جریان جنگ جهانی اول برضد انگلیسی ها بود، پس از اتمام تحصیلات خود در هند به بلوچستان

عزیمت کرد. وی که کار دعوت مردم منطقه به انجام فرائض دینی را سر لوحه خویش قرار داده بود، به دورترین مناطق بلوچستان سفر کرد و در خلال آموزش مسائل مذهبی از طرح‌ها و برنامه‌های انگلستان در منطقه پرده برمی داشت و مردم را بر ضد بریتانیا مشوراند. انگلیسی‌ها نیز که از همان ابتدای ورود به مناطق مختلف بویژه در شرق ایران از فرهنگ و رسوم رایج برای افزایش نفوذ در آنجا بهره برداری می‌کرد، در بلوچستان نیز به دلیل اطلاع از اعتقاد شدید و احترام قبایل بلوچ به سوگند قرآنی (دایر، ۱۳۸۳: ۴۲). سرداران سرحد را وادار به سوگند خوردن به قرآن به منظور تداوم و تحکیم دوستی و همکاری می‌کرد؛ در همین دوره ملا ملک‌شاه با نفوذ و اقتدار فرهنگی، فتوی داد که هر گونه سوگند با غیر مسلمانانی که اعتقادی به اسلام و قرآن ندارند، باطل و غیر قابل قبول است. (کرد، ۱۳۸۶: ۲۷۴). این مداخله جدی متکی بر آموزه‌های دینی همه مسلمانان را فارغ از هر مذهبی (شیعه یا سنی) در یک صف واحد علیه دشمن قرار داد.

ناگفته نماند این درحالی بود که با ورود جوانان آموزش دیده مدارس دیوبندی به منطقه تغییرات محسوس و مهمی در تفکرات حاکم بر جامعه سنتی بلوچستان بوجود آمد. ملاهای جوان بلوچ با حرارت شدید و احساسات انقلابی خویش در نخستین مرحله از برنامه‌های تبلیغی حمله به رسوم کهن حاکم بر منطقه‌ی بلوچستان را آغاز نمودند. اقدامات گسترده‌ای در جهت زدودن رسوماتی که با تفکرات حاکم بر مدارس دیوبندی تضاد داشت آغاز شد. همچنین برای مبارزه با این رسوم محلی در منطقه مکران از جانب علمای مشهوری همچون مولانا عبدالله سربازی اقداماتی انجام گرفته بود. (کرد، همان).

از دیگر شخصیت‌های مذهبی بلوچستان، که نقش مهمی تحریک عامه مردم در قیام بر ضد انگلیس در بلوچستان ایفا نموده است مولوی عبدالله ملازاده فرزند حاج محمد است که در سال ۱۲۵۰ ه. ق در روستای حیط، در نزدیکی سرباز بدینا آمد و پس از گذراندن دوران مقدماتی علوم مذهبی به هندوستان رفت و پس از بازگشت به موطن خود، به یکی از شخصیت‌های مهم و اثرگذار بلوچستان و منطقه تبدیل شد. وی رسماً بر ضد انگلیسی‌ها و رضاشاه فتوای جهاد و تحریم همکاری صادر کرد که به طور گسترده از جانب سرداران قبایل بلوچستان از جمله دوست محمدخان مورد قبول واقع شد. (بزرگزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۲ و ۱۲۲) مولوی عبدالله سربازی که به قاضی القضاة بلوچستان معروف بود؛ در قضیه حمله به افسران سیاسی بریتانیا در منطقه «مند» نقش مستقیم و تعیین کننده‌ای داشت و در فتوایی که در تمامی بلوچستان منتشر گردید، اعلام نمود انگلیسی‌ها کافر هستند و هرگونه کمک به

آن‌ها را حرام محسوب می‌شود. دلیل صدور این فتوا این بود که شماری از بومیان به استخدام انگلیسی‌ها درآمده بودند. (شه بخش، ۱۳۹۳)

یکی از دیگر شخصیت‌های مهم مذهبی و جهادی بلوچستان که نقش مهمی در اتخاذ راهبرد تقریبی به منظور حصول نتایج وحدت بخش در برابر حملات و یا دسیسه‌های کشورهای خارجی بویژه بریتانیا داشت، «خلیفه خیرمحمد» از اهالی کروان بود. وی که در مناطق ساحلی جاسک و چابهار و گوادر، دست به فعالیت‌های گسترده فرهنگی با رویکرد تقریبی برای اتحاد صفوف مسلمانان بر ضد بریتانیا زد و توانست با جلب مریدان زیادی حملات شدیدی را به نیروهای انگلیسی انجام دهند. از آنجا که «خلیفه خیرمحمد کروانی» خود یک صوفی نقشبندی بود، توانست با جلب طرفداران بسیاری در منطقه با صدور فتاوی موثر، تمامی بلوچستان را با ترکیب بندی اعتقادی متعدد متحد سازد و ضمن اخذ تایید مردم، روحانیون و سرداران بلوچ، در مناطقی چون جاسک قیام‌های متعددی را بر علیه بریتانیا سامان دهد، راهبری و جهت دهی کند. مطابق گزارش‌های محلی، طرفداران و پیروان خلیفه خیرمحمد حملات شدیدی را به پادگان انگلیسی چابهار انجام دادند و پس از قطع سیم‌های تلگراف بین جاسک و چابهار و ایجاد مشکلات ترابری، به داخل ارتفاعات منطقه عقب نشینی کردند. بهرام خان بارکزی در راستای دعوت خلیفه خیرمحمد حملات گسترده‌ای را به درون قلمرو بریتانیا، کیچ و مکران انجام داد و تلفات شدیدی به نیروهای بریتانیایی وارد نمود (سپاهی، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

با نگاهی کلی به این تحركات ضد دشمن خارجی می‌توان بدرستی دریافت که مهمترین اقدام و راهبرد فرهنگی این نخبگان مذهبی وحدت بخشی با رویکرد تقریبی بین مذاهب اسلامی منطقه جنوب شرق ایران بوده است. ترک اختلافات مذهبی و عدم تاثیرپذیری از جریان‌های خارج از ایران و قرار گرفتن در صفوف یکپارچه به منظور مقابله با دشمن خارجی مهمترین ویژگی نخبگان مذهبی این منطقه است.

۵. زعمای اهل تسنن به مثابه پیشگامان تقریب دوران معاصر

از گذشته‌های دور بویژه در دوران معاصر برخی از چهره‌های برجسته شناخته شده سیستان و بلوچستان توانسته‌اند با افراشتن رایت تقریب بین مذاهب جریان‌های سیاسی و فکری و مذهبی را در این منطقه راهبری نمایند. در میان این جماعت بویژه در شصت سال گذشته از بین علمای اهل سنت و تشیع دو چهره شناخته شده در استان سیستان و بلوچستان تلاش

های مثر ثمری برای تغییر نگرش‌های دینی و اعتقادی مردم انجام داده اند. یکی از آنها مولوی عبدالعزیز ملازهی و دیگری مولانا مفتی خدا نظر قنبرزهی است. این دو زعیم جلیل القدر با تاسیس نخستین مساجد بزرگ شیعه و سنی وهم چنین تاسیس حوزه‌های علمیه و مدارس دینی با رویکرد تقریبی اولین گامهای موثر علمی را در جهت وحدت بخشی عمومی در این جامعه جامعه چند پارچه برداشته اند.

۶. مولوی عبدالعزیز ملازهی

از جمله شخصیت‌های موثر مذهبی و چهره‌های مهم سیاسی قبل و بعد از انقلاب در جامعه اهل سنت و تشیع استان مولوی عبدالعزیز (۱۲۹۵-۱۳۶۶ هـ. ش) است. پدرش قاضی القضاة بلوچستان، مولانا عبدالله ملازاده سربازی رحمه الله است که تاریخ مبارزات او با فرقه ذکر به دلیل انحرافات عقیدتی شان و سرانجام احیای دین و احکام اسلامی برکسی پوشیده نیست. سفرهای علمی او به مدرسه مظهر العلوم کراچی پاکستان و دارالعلوم هند و تمرکز بر علوم اهل سنت در تقویت جایگاه علمی وی موثر بود و در اندک زمانی به درجه مفتی نائل آمد. بعدها با ورود آیت الله کفعمی به زاهدان، ایشان نیز از سرباز به این شهر مهاجرت کرد. وی متأثر از همان سفرهای علمی مدارس و مکاتب دینی به سبک مدارس دیوبندیه در استان تأسیس نمود. یکی از مهم‌ترین آن‌ها مدرسه عزیزیه سرباز، مسجد نور، مسجد جامع قدیم (عزیزی)، مسجد مدنی، مسجد جامع مکی زاهدان، مسجد و مدرسه اشاعه التوحید، دارالعلوم زاهدان، مدرسه اوقاف است. به دلایل مختلف شخصیتی و آموزه‌های دینی و نوع عملکرد مولوی عبدالعزیز، می‌توان وی را در شمار نخبگان کاریزماتیک و محبوب و مقبول آحاد جامعه اعم از سنی و شیعه منطقه تلقی کرد. رجوع شیعیان در برخی از مسائل اختلافی خود با اهل تسنن به ایشان و اطمینان از رعایت اخلاق و عدالت موجب شده است تا همه اقشار عمومی از مذاهب مختلف گرد وی جمع شوند. افزون به گرامیداشت مباحث تقریبی می‌توان به تلاش‌های ایشان در براندازی گروهک‌های مارکسیستی فعال در استان که داعیه استقلال و خودمختاری را داشتند نیز مورد توجه قرار گیرد. همین حضور فعال سیاسی- مذهبی باعث شد که این تشکل‌ها نتوانند موفقیتی در زمینه اهداف خود در منطقه که بر بنیاد اختلاف افکنی میان مذاهب استوار بود کسب کنند. خاطر نشان می‌شود قرار گرفتن نام مولوی عبدالعزیز در شمار نمایندگان خبرگان قانون

اساسی و رهبری و نقش ایشان در تدوین قانون اساسی به خصوص در رابطه با حقوق اقلیت‌های مذهبی توانسته است بر جایگاه معنوی و کاریزماتیک ایشان بیفزاید.

بی شک راهبرد تقریب میان مذاهب با برنامه رفع اختلافات و یا حتی در سطح ایجاد گفتگو میان رهبران فکری شیعه و سنی در منطقه مستلزم داشتن پایگاه مردمی و یا ظرفیت‌های کاریزماتیک معنوی است که به نظر می‌رسد مولانا عبدالعزیز برگرفته از روحیه وطن دوستی، منش والای مردمی و از همه مهمتر استقامت در برابر دشمنان قسم خورده خارجی و اعتماد به داشته‌های بومی و منطقه‌ای توانسته در ایجاد رویکرد‌های تقریبی میان عموم مردم منطقه جایگاه ویژه‌ای بیابد. یکی از نمونه‌های وطن دوستی که بشدت مورد توجه مردم در طیف‌های مختلف قرار گرفته سفروی برای معالجه به بریتانیا بود. چنانکه آورده اند در طی سفر به انگلیس وقتی از ایشان دعوت شد تا در آنجا اقامت گزینند، وی پاسخ داد حاضر نیست به دین و مردمش خیانت کند. (بزرگزاده، همان: ۶۱، ۶۰) آنچه مسلم است بن مایه‌های فکری و آموزه‌های دینی و نگاه مردمی مولانا در این تصمیمات موثر بود و البته در برکشیدن ایشان نزد عوام الناس هم بسیار تعیین کننده بوده است.

بر طبق گزارش‌های موجود سابقه مولانا عبدالعزیز در راه اندازی و حمایت از جماعت‌های تبلیغی بسیار طولانی می‌نماید. آنچه مسلم است ایشان یکی از موسسین تجمّع نظام یافته‌ای چون حزب اتحاد المسلمین است. این حزب به منظور سازماندهی فعالیت اسلامی و اسلام خواهی برخی علمای بلوچستان بویژه مولانا عبدالعزیز متناسب با مقتضیات منطقه در اوائل انقلاب اسلامی راه اندازی شد. یک از مهمترین اهداف این حزب متکی بر اساسنامه آن، ترویج دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی و احترام و حفظ زبان و فرهنگ مردم منطقه بود. بی تردید این زیرساخت اجرایی این اهداف تقریب میان مذاهب و تقویت وحدت گرچه حزب اتحاد المسلمین بسرعت در برخی شهرهای ایران شعبه زد و در کنار مشارکت سیاسی فعال در عرصه‌های مختلف، تلاش نمود تا با وحدت بخشی در جهان اسلام به دستاوردهای مهمی نائل شد، اما به دلایل مختلف تداوم نیافت.

۷. مولانا عبدالعزیز ساداتی

در میان برخی از این مناسبات مذهبی می‌توان بر خورد مولانا عبدالعزیز ساداتی با کمونیست‌های منطقه در سراوان را شاهد آورد. چرا که به دستور مولانا تمامی اعلامیه‌ها و

کتاب‌های مارکسیستی که میان جوانان توزیع شده بود؛ به آتش زده شد. (درویش ۱۳۹۷، ۶۸، ۶۹)

از دیگر کسانی که در اوایل انقلاب در ایرانشهر با همکاری نیروهای انقلابی و حکومتی موفق به خشکاندن ریشه تفکرات مارکسیستی شد و با تلاش بی وقفه محدث مذهبی را دامن زد، مولانا نظر محمد دیدگاه است. سابقه فعالیت مشارالیه به دوران پیش از انقلاب باز می‌گردد زمانی که عنوان نماینده مردم ایرانشهر در مجلس شورای ملی حضور داشت. پس از انقلاب علی‌رغم منع قانونی فعالیت سیاسی ایشان، به دلیل نفوذ و اثرگذاری وی در میان ساکنان منطقه و فضای پرتلاطم ناشی از حضور گروهک‌های چپ‌پس یا جدائی طلب منطقه با حضور ایشان در مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده ایرانشهر موافقت شد. بنابر گزارش‌های موجود، حضور این روحانی و مولوی برجسته در وحدت بخشی ملی و مذهبی جامعه بلوچ بسیار موثر بوده است.

افزون بر این، برخورد قاطعانه علمایی چون مولوی عبدالله با فرقه ذکری (کرد، ۱۳۸۶، ۲۲۷) و یا مناظره و برخورد با فرقه بهاییه به همراه مولوی عبدالعزیز (بزرگزاده، ۱۳۸۴، ۱۱۳) نمونه‌هایی دیگری از حضور فعال این چهره‌های ملی و مذهبی است که هوشیارانه در برابر جریان‌های واگرا و معاند که تلاش در تخریب وحدت و امنیت اجتماعی داشته‌اند، ایستاده‌اند.

یکی از چهره‌های ملی و مذهبی اثرگذار در فرایند تقریب و اتحاد مذهبی، مولانا مفتی خدا نظر قنبرزهی (۵-ش ۱۳۰۲) است. خاستگاه او شهرستان زابل و محل تحصیل او نیمروز افغانستان و کویت، سبی و مستونگ و ملتان بوده است. از استادانش می‌توان به مولانا محمد یوسف منوری و مولانا ادریس کاندهلوی و مولانا مفتی محمود اشاره نمود. آراء فقهی وی به همراه مفاد آموزشی در کلاس‌های تعلیمی و حلقه‌های درس او نشان می‌دهد وی در زمره مبدعان و رهروان طریق تقریب در استان و منطقه بوده است. بهره‌گیری او از نظریات دیگر مذاهب و ائمه و بیان و بهره‌گیری آراء و دیدگاه‌های مختلف و حتی موضع‌گیری در برابر امور جاری عصرش حاکی از باور ایشان در تقویت زیرساخت‌های فکری جامعه مسلمان منطقه در برابر نفوذپذیری تفکرات مخرب واگرا و تفرقه افکنانه بوده است.

روش متکی بر رواداری ایشان و تحمل آراء مخالفان موید پرهیز وی از افراط‌گرایی و یا تفریط مزمینی بوده است که جوامع بومی بشدت رنج‌افزا و مانع جدی است. یکی دیگر

از ویژگی های علمی ایشان توجه به مشارکت علمی با دیگر علمای سایر مذاهب و بهره گیری از زمان و مکان در فتواهایش بوده است. جوان گرایی، توجه به کاربرست اصول و مواضع جدید و یا اصطلاحات علمی نوین، ورواداری متکی بر منش و روش امام ابوحنیفه (رح) و یاقاضی ابویوسف و امام محمد غزالی و دیگر شاگردانش (کرد: ۱۳۸۶، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸) را می توان از دیگر ویژگی های ایشان برشمرد.

۸. راهبرد تقریب و حفظ هویت ملی

یکی از عناصر اجتماعی با ابعاد فرهنگی و سیاسی که از طریق آن می توان همبستگی مذهبی و ملی را تقویت کرد، هویت ملی و انسجام اجتماعی است که درپاره ای از موارد می تواند با تقویت رنگ مذهبی بسرعت به ابر قدرتی اجتماعی و دفاعی تبدیل شود. به دلیل بافت اجتماعی و ساختارهای ایلی و عشایری و طایفه ای در ایران همواره هویت قومی و ملی مولفه ای موثر دربروز تغییرات و یا مهار بحران های خارجی بوده است. در میان اقوام ساختارمند ایرانی، مردمان بلوچ با بهره مندی از پیشینه ای تاریخی و کهن، به هویت ایرانی خود بالیده است و در دفاع از چارچوب های وطنی و ملی پیشقدم بوده است. این اتحاد قومی تنها دامنه اش به پیوستگی درون قومی محدود نبوده است و توانسته به عنوان اهرم و ابزاری کارآمد جهت وفاق و اتحاد با دیگر اقوام بکارآید. گرچه حافظه تاریخی این منطقه از داستان ها و نقل قول های مقوم این مدعا بسیار است لیکن برای نمونه می توان به رخدادهای سال ۱۳۴۱ ه.ش و اعزام خزیمه علم به منطقه سیستان و بلوچستان و اقدامات اولیه وی جهت بسیج عشایر بلوچ علیه عشایر فارس و سرکوب آنان اشاره کرد. آنچه از فحوای گزارش بر می آید سوءاستفاده دولت از فقر و ناآگاهی مردم، و دادن مقصداری آرد و مبلغی پول در ازای همکاری آنان با نیروهای دولتی برای سرکوب برادران ایرانی شان در فارس بود، مقرر بود که قوای مردمی بلوچ آماده رزم بعد از شرکت در نماز عید همان سال به منطقه فارس اعزام شوند.

مولانا عبدالعزیز وقتی متوجه این موضوع شد به شدت از این تصمیم انتقاد کرد و ضمن بازدارندگی، از بلوچ ها خواست در این اقدام شرکت نکنند و با صدور فتوا اعلام کرد هرکس در این درگیری کشته شود مرگ او اسلامی نخواهد بود و مرتکب اشتباه بزرگی خواهد شد. با این واکنش مولانا، همه مردم بلوچ لباس های رزم خود را بیرون کرده و اسلحه خود را تحویل دادند و از رفتن به استان فارس منصرف شدند! (بزرگزاده، ۱۳۸۷: ۲۱)

مه‌ار جریان های سیاسی و فرهنگی محل وحدت از طریق تقویت هویت ملی و خودباوری مذهبی در ادوار تاریخی ایران بسیار است نمونه دیگر آن در عصر محمدرضا شاه پهلوی است. زمانی که جریان های سیاسی تاثیرپذیر از حوزه سیاسی بلوچستان پاکستان به نام جبهه آزادی بخش بلوچستان در این سامان در سال ۱۳۴۳ ه.ش توسط یک جوان بلوچ پاکستانی و ایرانی تبار به نام جمعه خان با همراهی معدوی از تبعیدیان سیاسی بلوچ ایرانی در پاکستان راه اندازی شد. این جبهه که بعدها مورد حمایت عبدی خان رئیس طایفه سردارزایی در ایران و برخی کشورهای عرب قرار گرفت، توانست حملات مسلحانه پراکنده ای را به سرداری میر مولاداد با مشارکت اعضای طوایف بلوچ تحت نام جبهه انجام دهد. این جبهه توانست تا اوایل دهه ۱۳۵۰ به فعالیت های خود ادامه دهد. اما پس از توافق میان ایران و عراق و ابراز وفاداری برخی از رهبران آن نظیر عبدی خان به دولت شاه انحطاط یافت. (احمدی، ۱۱۸: ۱۳۹) گرچه به ظاهر دولت موفق به سرکوب این گروهک شد، اما گزارشهای موجود نشان می دهد این توفیق بدون ورود و موضع گیری علمای اهل سنت و شیعه منطقه در برابر گروهک های جدایی طلب یا افرادی که گرایش کمونیستی داشتند، مقدور نبود. روشنگری های مذهبی این علما در میان توده مردم و به خصوص جوانان مانع موفقیت این گروهک ها شد. اصلی ترین ابزار این عالمان دینی، تشریحات مبانی و ترغیب و ایجاد وحدت مذهبی میان اقوام واگری مذهبی منطقه بوده است.

عملکرد مذهبی علما و مرجعیت اهل تسنن پس از انقلاب اسلامی: یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی تغییر ساختار سیاسی و حاکمیت نظام مردم سالاری دینی بود که سرعت دو مولفه اسلام و مردم را به عرصه های سیاسی پیوند زد. این درهم تنیدگی ضمن به چالش کشیدن تجددگرایی و نظام ارباب رعیتی گذشته برخی مفاهیم را خلق نمود که می توانست سرعت جوامع قوم گرا و واگرا را به مشارکت دینی فراخواند. ترویج مفاهیمی چون مساوات و تساوی حقوق شهروندی، رفع ظلم و ستم از حیات روستایی با اسقاط نظام ارباب رعیتی، تسری امکانات اجتماعی به روستاها موجب شد تا مراجع قدرت در بلوچستان که همان سرداران و خوانین بلوچ بودند به حاشیه رانده شوند و در برخی منابع کامل از میان رفتند. در کنار علما و کارگزاران دولتی، تحصیلکردگان بلوچ هم در تمشیت اوضاع فرهنگی بلوچستان موثر بودند.

در میان اقشار علمی این استان، فارغ التحصیلان مدارس هندوستان و شاگردان آنان که از عالمان صاحب نام منطقه محسوب می شدند، سهم عمده ایی در تحولات مذهبی

سیستان و بلوچستان داشته اند، حضور علمایی چون سید عبدالواحد گشتی معروف به شاه صاحب و مولوی عبدالله ملازهی بیشترین سهم را بر عهده داشته اند. گرچه به نظر می رسد فعالیت های این علما در عرصه های مذهبی در بدو امر چندان هم موفقیت آمیز نبوده است، چرا که در کنار جامعه بسته و سنتی منطقه، عموماً مورد استقبال عامه مردم بلوچ قرار نگرفت. لیکن رفته رفته تغییرات مذهبی نامحسوس، تحولات اجتماعی - فرهنگی بسیار محسوس هم چون یکسان سازی زبان، لباس، آئین های باستانی، صورت گرفت و پافشاری این علما مبنی بر عدم تأکید و پافشاری بر مذهب خاص، توجه به آموزش های همگانی و رسمی در فرهنگ سازی منطقه ای بسیار موثر بود. همین رویکرد عمومی، موجب شد تا این اقدامات بیشتر مورد توجه عامه مردم قرار بگیرد لیکن گاه مناسبات سوگیرانه داخلی و گاه فشارهای دولت های خارجی، موجب شد تا کار تقریب و رواداری مذهبی به کندی صورت گیرد. این در حالی است که به دلیل تمرکز سیاست های دولت های مختلف در جمهوری اسلامی، بسیاری از جوانان جذب مدارس دولتی می شدند تا هم بتوانند از جایگاه اجتماعی بهتری برخوردار شوند و هم موقعیت شغلی بهره گیرند، لیکن به دلایل متعدد علمای بلوچ، سعی داشتند تا با تبلیغات منفی علیه اینگونه مدارس، زمینه جذب جوانان به مدارس دینی را فراهم کنند و مانع رفتن بسیاری از جوانان به خصوص دختران در مدارس مختلط دولتی شوند. هرچند در برخی مناطق استان که از امکانات بهتری برخوردار بودند، و تفکیک جنسیتی در مقطع ابتدایی رعایت می شد، خانواده ها ترجیح می دادند فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستند. لیکن کماکان بافت سنتی و البته جمعیت مهاجر اهل سنت و ساختار بسته سیاسی و اجتماعی جامعه بلوچستان از چالش های تغییر رویکردهای مذهبی روادارانه در سطح عامه بشمار می آید. اما نکته شایان توجه اینکه جامعه در حال گذار از ساختار سنتی به ساختاری مدرن در عصر حاضر نیز چالش جدی جوامع بسته مذهبی بود.

چنانکه دانسته است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمیت رسمی مذهب تشیع و تحت تاثیر تبلیغات متعدد، به تدریج هویت مذهبی مردمان بلوچ به چالش کشیده شد و بویژه گروه های مذهبی خارج از کشور همچون علمای دیوبندیه بانی گیری های مستمر و صرف هزینه و عمل، خیزشی اعتقادی و سپس سیاسی - اجتماعی متأثر از جریانات فکری، مذهبی در جامعه اهل سنت به وجود آمد. این مناسبات زمینه ها و رویکرد فرهنگی - اجتماعی گذشته تقریب مذاهب را تحت الشعاع قرارداد و تبدیل به رویکردی اعتقادی و دینی صرف در قالب گفتمان های مذهبی و تشکیل اجلاس های کلامی و فقهی نمود. کالبد

کهنه و پرچالش گفتمان تقریب مذاهب پیشین در عصر گذار سنتی به جامعه مدرن با تبلیغات خارجی و مداخلات متعدد باعث شد تا دامنه تقریب وسعت یابد. شاید بتوان مهمترین گام را در جمهوری اسلامی ارتقاء جایگاه روحانیت بلوچستان دانست به گونه ای که آنان می توانستند در ساختار سیاسی جایگاه پیدا کنند و در مجالس علمی و اداری مشارکت یابند. مولوی های اهل سنت با پیشینه مذهبی قوی، در میان بلوچها چه از زاویه بر خورداری از منابع، نفوذ در دستگاه بوروکراسی و چه از جهت جایگاه سیاسی، حداقل در میان اهل سنت، به ممتازترین موقعیت های محلی دست یافتند و اکنون به طبقه حاکم در بلوچستان مبدل شده اند. موقعیت بی سابقه آن ها به میزان وسیعی نتیجه مستقیم حاکمیت اسلامی در ایران بود. از نظر کلی و در مقایسه این جایگاه با قبل از انقلاب می توان قاطعانه موقعیت آنان را متفاوت ارزیابی کرد. (دبیرخانه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی: مورخ ۳/۲۹/۹۸ <https://dmsonnat.ir/>)

با آنکه تلاش های مستمر فرهنگ سازی دینی و تحول مذهبی به همراه استقرار ترویج ایدئولوژی دیندیده در بلوچستان توسط مولوی های تحصیل کرده این مکتب در جریان بود، اما نمود آشکار و رویکرد افراطی و رادیکالی نداشت. و با توجه به اینکه در دوران پهلوی نفوذ اسلامی ایسم ها و گرایش های وهابیسیم در میان مولوی ها قوی نبود و آن ها کماکان از فقه سنی حنفی، البته با تعابیر دیندیده پیروی می کردند و نسبت به دیگر فرقه های سنی به ویژه حنبلی جای بیشتر و مهمتری به عرف و عادت، به رأی و قیاس و حتی قوانین بازمانده غیر اسلامی می دادند و در مواردی هم آمادگی بیشتری برای تطبیق با شرایط ملی و میهنی داشتند و از نظر فقهی هم از رفتارها و عقاید روادارانه و انعطاف پذیری در ارتباط با غیر مسلمانان تبعیت می کردند، می توان آنها را در زمره و دسته شریعت گرای سنتی بشمار آورد. (خلیلی، ۱۳۹۲: ۹۸، ۹۹)

در هر حال جامعه اهل سنت حنفی به راهبری زعمای خویش در نهضت تقریب مذاهبی با استفاده از راهبردهای ملی و میهنی و با تاکید بر نیاز عصر و نسل همواره پیشرو و موثر در عرصه های حیات اجتماعی حضور داشته است.

۹. نتیجه گیری

مطالعه پیشرو کوشید تا در پژوهشی تاریخی حیات علمی و عملکرد زعمای اهل سنت را در زمینه تقریب میان مذاهب و بکارگیری مفاهیم ملی را در تقویت این راهبرد ترسیم کند و

به سوالات پژوهش پاسخ دهد. براین اساس مطالعه در حوزه درون دینی مرجعیت اهل سنت در سده اخیر و به خصوص دوران معاصر نشان داد، در سده اخیر مرجعیت دینی با ساختارسازی و نظام مندی در حوزه آموزش دینی، باتشکیل کارویژه های علمی و دینی، درعرصه اجتماعی و سیاسی حضوری چشمگیر داشتند و توانستند در جایگاه یک نهاد تشکیلاتی مستقل واثراگذار، ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه جنوب شرق ایران را تحت تاثیر و کنترل فرهنگی قرار دهند و هدایت و راهبری جامعه اهل سنت را که به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی از خلأ قدرت و رهبری رنج می برد، تحت اختیارگیرند.

تحقیقات نشان داد این نهاد دینی توانسته است در قرن اخیر با تلاش ها و اقدامات گسترده و همه جانبه فرهنگی و اجتماعی خود در بطن لایه های اعتقادی مردم نفوذ کند و با استفاده از نفوذ کاریزماتیک اعتقادات آنان را متحول و به تبع آن کنترل اجتماعی و فرهنگی را به خود اختصاص دهند.

تحقیقات نشان داد که تلاش آنها برای تحول اعتقادات عامیانه و صوفیانه به اعتقادات دینی دیوبندیه تلاشی مثمر ثمر بوده است، لذا با توجه به اینکه دین و اعتقادات از مهم ترین مؤلفه های مذهبی و دینی این سرزمین که قدمتی در پذیرش اسلام دارد، بوده است، می توان نقش علمی اهل تسنن را در آنجا موثر و تعیین کننده یافت. بررسی عملکرد این علمای دینی نشان داد که کلیه زیرساخت های فرهنگی و هم چنین مناسبات اجتماعی جامعه به تاسی از تحولات دینی تسلیم تغییرات اساسی شده اند و مهمترین راهبرد عملی آنان را در تقریب مذاهب به عنوان یکی از زیرساخت های اصلی جامعه متکثر جنوب شرق ایران، تاده های نخستین انقلاب اسلامی جستجو کرد. این راهبرد با رویکردی اجتماعی و فرهنگی به منظور کم کردن مناقشات مذهبی در دو جامعه سیستان و بلوچستان به عنوان نمایندگان تشیع و تسنن بسرعت کارساز بود و می توانست در قالب عناصر پیوند دهنده فرهنگی بر رفتارهای اجتماعی اثر گذارد و بر کنش های اجتماعی واگر موثر باشد و دو جامعه شیعه و سنی و حتی جوامع متکثر اهل سنت و شیعه که در درون خود فرقه های متعددی را بوجود آورده بودند، را بهم نزدیک نماید و یا دستکم از قلیان هیجانانگیز فرقه ای واگرا بکاهد. علاوه براین بررسی های کلی در دهه های اخیر نشان داد که این علمای از طرفیت های گفتمان دینی با تأکید بر اشتراکات فقهی و کلامی از طریق اجتماع علمای فریقین نیز استفاده های پرشماری برده اند.

هرچند پس از انقلاب اسلامی و البته به دلایل مداخلات مستمر خارجی و تبلیغات و سیاه‌نمایی‌های مذهبی و قومی و حتی سرمایه‌گذاری‌های متعدد جهت تخریب شخصیت‌های ملی و مذهبی، تلاش‌های متعددی برای ایجاد اختلاف و افتراق مذهبی صورت گرفت و بارها جنوب شرق ایران شاهد ترورها و کشتارهای مختلفی شد لیکن همواره علمای اهل سنت در موضع‌گیری‌های هوشمندانه و روشنگری مردم و توصیه به ترک اختلافات و روی آوردن به وحدت اسلامی سرآمد و پیشرو بوده‌اند.

کتاب‌نامه

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران: نشر آگه، چاپ سوم
- اخلاقی، محمدعلی، (۱۳۸۴). شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، چاپ اول.
- احمدی کلیسانی، احمد (۱۳۹۸) اهل سنت و جریانهای تکفیری: قم، نشر ادیان، چاپ اول.
- السعدی، عبدالملک عبدالرحمن (۱۳۷۸) شرح عقاید اهل سنت، امیر صادق تبریزی مریوانی، سندج، انتشارات کردستان، چاپ ششم.
- اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۵) تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر، قم، نشر معارف.
- بشریه، حسین (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی سیاسی، نشرنی، تهران.
- پاتینجر، هنری، (۱۳۴۸) سفرنامه پاتینجر، ترجمه: شاپور گودرزی، تهران، دهخدا.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۲) تحول حوزه علمیه و روحانیت در گذشته و حال، قم، کتاب فردا، چاپ اول.
- پژوهشگران، (۱۳۹۷) مجموعه مقالات همایش علمی تحقیقی مذاهب اسلامی، دبیرخانه همایش، قم
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۵) جغرافیای سیاسی ایران: سمت، تهران، چاپ هشتم.
- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۹۶) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، پاپلی، مشهد: چاپ پنجم
- خواججه سروی، غلامرضا، (۱۳۹۰) سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه امام صادق، تهران، چاپ اول.
- جهانبانی، امان‌الله، (۱۳۳۸) سرگذشت بلوچستان و مرزهایش، تهران.
- درویش، سعید، (۱۳۹۷) جلوه‌ای از شگفتی‌های علمای بلوچستان، تربت جام، آوای اسلام، چاپ اول.
- دشتی، نصیر (۱۳۹۴) بلوچ و بلوچستان: ترجمه نظر محمد هاشم‌زهی، زاهدان، فاروق اعظم، چاپ اول.
- رحمان زاده هروی، محمد. (۱۳۹۳) نژاد، قوم و ملت در ایران: تهران، کتاب آمه، چاپ اول.
- سراوانی، محمد شهداد، (۱۳۸۳) عقاید اهل سنت، انتشارات صدیقی، زاهدان، چاپ اول.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۹۳) سلفی‌گری در آئینه تاریخ، قم، انتشارات توحید، چاپ اول.
- ساشا دینا، عبدالعزیز، (۱۳۸۶) مبانی همزیستی اجتماعی در اسلام، محمد رضا هاشمی، قم، نشر ادیان.

سلطانی، عبدالظاهر (۱۳۹۵) اهل سنت ایران فرصت‌ها و چالش‌ها، انتشارات آراس، چاپ اول.
سیاسر، قاسم (۱۳۸۴). مناسبات سرداران، علما و تحصیلکردگان بلوچ بادولت مدرن، زاهدان: تفتان، چاپ اول.

علیزاده موسوی، سید مهدی، (۱۳۹۳) ایمان و کفر، قم، دارالاعلام، چاپ اول.
عبدالملکی، محسن، (۱۳۹۵) وهابیت، تاریخ و افکار، مدرسه مطالعات بنیان دینی، قم: چاپ دوم.
فرمانیان، مهدی، (۱۳۹۸) آشنایی با فرق تسنن، قم، ادیان و مذاهب اسلامی.
فرمانیان، مهدی، (۱۳۹۵). سلفیه از گذشته تا حال: قم، ادیان و مذاهب، چاپ اول.
فرمانیان، مهدی. (۱۳۹۶) مجموعه مقالات فرق اهل تسنن: قم، نشر ادیان، چاپ چهارم.
قیصری، نوراله (۱۳۸۸). نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول

کاشانی، مولوی، عبدالرحمن چابهاروی و...، تضاد عقاید حنفیت با وهابیت، قم، آثار نفیس.
مسجد جامعی، محمد (۱۳۸۵)، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، نشر ادیان، قم، چاپ اول.
میبدی، علی ملا موسی، (۱۳۹۵) فرمانیان، مهدی، جماعه التبلیغ، مدرسه مطالعات بنیان دینی، قم، چاپ دوم.

مجددی، محمد عارف، (۱۳۸۹) عروج ستارگان نقشبندی مجددی در افغانستان، خاطره، مشهد، چاپ اول.

محدث، سید محمد، (۱۳۸۷). فرقه صوفیان، تهران، نشر راه ن یکان، چاپ اول.
موتقی، سید احمد (۱۳۷۵).، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفت تبلیغات اسلامی.

نارویی، الیاس، مولانا احمد.....

ناصری داوودی، عبدالمجید. (۱۳۸۴). تاریخ تشیع در افغانستان، قم، جامعه المصطفی، چاپ دوم.
ناشی اکبر، عبدالل بن محمد (۱۳۸۶). فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت، علیرضا ایمانی، قم، ادیان و مذاهب: چاپ اول.

هوشنگ، ا. ح. (۱۹۹۱). زمینه‌های عمومی مذهب و ذکر رسم بمثابه صوفیگری عامیانه در بلوچستان، شوهاز (انجمن تحقیقی و فرهنگی بلوچ)، لندن: بی نا، شماره ۲ و ۳ تابستان.

مقالات:

سرافرازی، عباس (۱۳۹۰). فرقه مذهبی ذکری‌ها در بلوچستان، شماره سوم، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال اول.

دورانی، عبدالغفور (۱۳۹۱)، پیدایش تفکر دیوبندی در هندوستان و تأثیر آن بر بلوچستان ایران، مطالعات شبه‌قاره هند، شماره ۱۳، سال چهارم.

تحقیقات و پایان‌نامه‌ها:

تحولات فرهنگی مذهبی سراوان در دو قرن اخیر، مهدی خلیلی، استاد راهنما: فاطمه جان احمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲

بررسی مذاهب، مکاتب و فرق مذهبی در استان سیستان و بلوچستان (مکتب دیوبندیه)، پژوهشی از غلامحسین جهانبیغ، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی: ۱۳۸۰

تأثیر اندیشه وهابیت بر رفتارهای سیاسی اهل سنت در جنوب شرق ایران، جلال ملکی حسن آباد، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت ۱۳۹۳

مصاحبه‌ها:

مولوی محمد درازهی (حقانی)، امام جماعت سراوان (۱۳۹۹)

مصاحبه با دانش آموزان دختر دبیرستان شبانه روزی خاش (۱۳۹۷)

مرحوم حاجی کرد، مؤسس مسجد صدیقی زاهدان (۱۳۹۳)

مولانا نظر محمد دیدگاه نماینده اسبق مردم ایرانشهر در مجلس شورای ملی و اسلامی (۹۹/۸/۲۳)

مولوی سعید درویش، نویسنده کتاب علمای بلوچ و دانش آموخته عین العلوم گشت عبدالغنی دامنی، نویسنده و پژوهشگر، ایرانشهر

مولوی جعفر بلوچ لاشاری، امام جماعت و مدرس حوزه علمیه دلگان، ایرانشهر

مولوی نصرت الله فضل اللهی امام جمعه اهل سنت شهرستان دلگان ایرانشهر

(دبیرخانه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی: مورخ ۳/۲۹/۹۸ <https://dmsonnat.ir>)

۹۸/۳/۲۹ مطالب مربوط به ۱۳۹۰ به نقل از مولوی رحیمی <http://mirahimi.blogfa.com>

مورخ ۹۷/۱۲/۱۶ <https://www.iribnews.ir/fa/news>